

# در کتاب کنکور فارسی منتشان چه چیزهایی داریم؟



در بخش تست، هر درس با یک سرفیس شروع می‌شود که در آن شماره و اسم درس و هم‌چنین یک کادر راهنما برای آدرس‌دهی پاسخ تست‌ها وجود دارد.

**تست‌ها، بخش اول این کتاب را تشکیل می‌دهند. در این کتاب از بیان تست‌های غیراستاندارد پرهیز کرده‌ایم. به همین خاطر شما با کتابی مواجه هستید که حجم کم‌تری نسبت به کتاب‌های دیگر تست فارسی دارد اما کتاب درسی و کنکور را به بهترین شکل پوشش داده است.**

تست‌های این کتاب از تست‌های کنکور سراسری، کانون فرهنگی آموزش و تألیفی تشکیل شده است.



به کمک این تیترها، تست‌های هر درس را موضوع‌محور طبقه‌بندی کرده‌ایم. واژگان، املا، تاریخ ادبیات، آرایه‌های ادبی و قرابت معنایی موضوعاتی هستند که هر درس تست‌هایی از این مباحث در کتاب می‌پسینید.

از آن جایی که در بخش واژگان، بیشتر تست‌های کنکور از واژه‌هایی طرح می‌شود که در واژه‌نامه آمده است، تست‌هایی که از واژه‌های غیرواژه‌نامه‌ای طرح کرده‌ایم را با علامت **9** متمایز کرده‌ایم.

هرگاه علامت **10** را در کنار تستی دیدید، بدانید که آن تست مباحثی از مطالب مربوط به درس‌های قبلی را شامل می‌شود.

پاسخ تست‌های درس‌های مختلف با این تیترها جدا شده‌اند. در این تیترها پایه، شماره درس و نام درس قرار گرفته است.



**بخش دوم کتاب پاسخ‌نامه تشریحی تست‌ها است. در پاسخ تست‌ها، به تمام نکات مورد نیاز اشاره شده است و هر جا که نیاز بوده، دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها هم بررسی شده است.**

هر جا لازم باشد، نکاتی هم درون پاسخ‌ها گفته‌ایم که با آن‌ها به فرایند یادگیری شما کمک کرده باشیم.

مقطع	تعداد	موضوع
11	10	تاریخ ادبیات
12	10	تاریخ ادبیات
13	10	تاریخ ادبیات
14	10	تاریخ ادبیات
15	10	تاریخ ادبیات

اولین قسمت درس نامه به واژگان اختصاص دارد. واژگان را درس به درس طبقه بندی کرده ایم.

در هر درس واژگان را به دو دسته واژه نامه ای و غیر واژه نامه ای دسته بندی کرده ایم. واژگان واژه نامه ای و معانی آن ها دقیقاً همان چیزی است که در انتهای کتاب های تست های کنکور از این واژه ها طرح می شوند.

## واژگان

**فارسی ۱**

**واژه نامه ای**

این درس به معنی است که در هر درس واژگان را به دو دسته واژه نامه ای و غیر واژه نامه ای دسته بندی کرده ایم. واژگان واژه نامه ای و معانی آن ها دقیقاً همان چیزی است که در انتهای کتاب های تست های کنکور از این واژه ها طرح می شوند.

**واژه نامه ای**

این درس به معنی است که در هر درس واژگان را به دو دسته واژه نامه ای و غیر واژه نامه ای دسته بندی کرده ایم. واژگان واژه نامه ای و معانی آن ها دقیقاً همان چیزی است که در انتهای کتاب های تست های کنکور از این واژه ها طرح می شوند.

**فارسی ۱**

**واژه نامه ای**

این درس به معنی است که در هر درس واژگان را به دو دسته واژه نامه ای و غیر واژه نامه ای دسته بندی کرده ایم. واژگان واژه نامه ای و معانی آن ها دقیقاً همان چیزی است که در انتهای کتاب های تست های کنکور از این واژه ها طرح می شوند.

سومین بخش این کتاب، بخش درس نامه است. موضوعی نوشته ایم که هر موضوعی را می خواهید به راحتی به آن دسترسی داشته باشید.

## املا

**املا**

این بخش به معنی است که در هر درس واژگان را به دو دسته واژه نامه ای و غیر واژه نامه ای دسته بندی کرده ایم. واژگان واژه نامه ای و معانی آن ها دقیقاً همان چیزی است که در انتهای کتاب های تست های کنکور از این واژه ها طرح می شوند.

**املا**

این بخش به معنی است که در هر درس واژگان را به دو دسته واژه نامه ای و غیر واژه نامه ای دسته بندی کرده ایم. واژگان واژه نامه ای و معانی آن ها دقیقاً همان چیزی است که در انتهای کتاب های تست های کنکور از این واژه ها طرح می شوند.

**املا**

این بخش به معنی است که در هر درس واژگان را به دو دسته واژه نامه ای و غیر واژه نامه ای دسته بندی کرده ایم. واژگان واژه نامه ای و معانی آن ها دقیقاً همان چیزی است که در انتهای کتاب های تست های کنکور از این واژه ها طرح می شوند.

دومین بخش از درس نامه به میحت املا اختصاص دارد. در این بخش ابتدا نکات کنکوری درباره املا و رسم الخط فارسی را بیان کرده ایم. سپس مهم ترین کلمات درس های مختلف را از نظر اهمیت املایی برایتان آورده ایم. در آخر این قسمت هم جدولی از کلمات هم آوا قرار داده ایم تا هیچ چیزی برای املائی کنکور کم نداشته باشید.

### کلمات مهم املائی

**فارسی ۱**

**واژه نامه ای**

این بخش به معنی است که در هر درس واژگان را به دو دسته واژه نامه ای و غیر واژه نامه ای دسته بندی کرده ایم. واژگان واژه نامه ای و معانی آن ها دقیقاً همان چیزی است که در انتهای کتاب های تست های کنکور از این واژه ها طرح می شوند.

**فارسی ۱**

**واژه نامه ای**

این بخش به معنی است که در هر درس واژگان را به دو دسته واژه نامه ای و غیر واژه نامه ای دسته بندی کرده ایم. واژگان واژه نامه ای و معانی آن ها دقیقاً همان چیزی است که در انتهای کتاب های تست های کنکور از این واژه ها طرح می شوند.

**فارسی ۱**

**واژه نامه ای**

این بخش به معنی است که در هر درس واژگان را به دو دسته واژه نامه ای و غیر واژه نامه ای دسته بندی کرده ایم. واژگان واژه نامه ای و معانی آن ها دقیقاً همان چیزی است که در انتهای کتاب های تست های کنکور از این واژه ها طرح می شوند.



تست زیر تست ۷ کنکور سراسری تجربی ۹۹ است (مشابه این تست در رشته‌های دیگر هم بود).

۷- ابیات زیر به ترتیب، سروده چه کسانی هستند؟

- الف) عشق‌بازی کار بیگاران بود  
ب) جهد بر توست و بر خدا توفیق  
۱) بیدل دهلوی، نظامی گنجوی
- عاقش با کار بیگاران چه کار؟  
زان که توفیق و جهد هست رفیق  
۲) نعمت‌الله ولی، سنایی

برای این که بتوانید تست بالا را پاسخ دهید، باید بدانید سراینده بیت‌هایی که در «کارگاه متن پژوهی» و «گنج حکمت» هر درس آمده است، چه فردی است. ما برای شما این کار را با درس نامه سراینده‌شناسی راحت‌تر کرده‌ایم.

## سراینده‌شناسی

در کنکورهای سال ۹۹ شاهد افزایش تپ جدیدی از سوال در ادبیات فارسی بودیم که طرح آن در نوع خود بی‌سابقه بود! در این تست‌ها سراینده ابیات و عباراتی که در «کارگاه متن پژوهی» و «گنج حکمت» هر درس آورده شده، مورد سوال قرار گرفته است لذا کلیه این ابیات و عبارات را در جدول زیر به ترتیب پایه و درس برای سودگی خاطر شما عزیزان گردآوری کردیم.

### فارسی ۱

پرسش	پیدا عبارت	سراینده یا نویسنده
۱	بخت دایموز آن‌چنه گویسی، هوش دار	سعدی
۲	بمردم سو گنه گرز دست برآید	حافظ
۳	کاش که در نو باد سخن از بی توان داد	سعدالدین وردگسی
۴	عق توری بر نهام ما نهاد	فخرالدین عراقی
۵	شاد و می شو سزی که شادی و هم	ابن خضام فوسلی
۶	دوران روزگسار به ما بنگشرد می	سعدی
۷	ایساک حاضرمیم و زیمان سوال نیست	حافظ
۸	تعلیم ز اده گیسر از رسم معانی	نویسنده اولادیم
۹	ای بر نشان سخن، نشان از که جویند؟	مشکر
۱۰	گنم که سوزی زلفت گسواره عالم کرد	حافظ
۱۱	تا نگردی آشنا ز من بپرد زسری نشوی	حافظ
۱۲	خدمت حق کن به هر مقام که باشی	مشکر
۱۳	صورت زینتای ظاهره هیچ نیست	سعدی
۱۴	بید محزون در تمام همدم سر بالا نکره	مشاک
۱۵	بسر در بختت بنده فستوود آیدم	ناصر خسرو
۱۶	خدمت بلند دار که لیزد خدا و خلق	ابن سینا
۱۷	بسر گس ز بسن ایسن بنما که مایند	محمدتقی بهار
۱۸	ما بزرگه دادیمو این رفت نشو بر ما	حکای
۱۹	تا زینسو خاکسای ای درخت نشومند	ادیب‌المتکلم قزاقلی
۲۰	به چشمه بس، تیرنگین گشت روز	فردوسی
۲۱	شود گسود آهنن چو درینسای آن	فردوسی
۲۲	بسر گشیرگ بنایند همو ای سرید	سعدی

درس‌نامه

# فهرست

## پایه دوازدهم

## پایه یازدهم

## پایه دهم

پاسخنامه	تست	پاسخنامه	تست	پاسخنامه	تست	
۲۸۱	۲۰۹	۲۴۷	۱۰۶	۲۱۴	۸	• ستایش - درس ۱
۲۸۳	۲۱۷	۲۴۹	۱۱۳	۲۱۷	۱۵	• درس ۲
۲۸۶	۲۲۴	۲۵۱	۱۲۰	۲۱۹	۲۱	• درس ۳
۲۸۸	۲۳۰	۲۵۳	۱۲۶	۲۲۱	۲۷	• درس ۵
۳۹۰	۲۳۶	۲۵۵	۱۳۲	۲۲۳	۳۳	• درس ۶
۳۹۳	۲۴۳	۲۵۸	۱۳۹	۲۲۵	۳۹	• درس ۷
۳۹۶	۲۵۰	۲۶۰	۱۴۶	۲۲۶	۴۵	• درس ۸
۳۹۸	۲۵۷	۲۶۲	۱۵۲	۲۲۸	۵۱	• درس ۹
۴۰۰	۲۶۵	۲۶۴	۱۵۸	۲۳۱	۵۸	• درس ۱۰
۴۰۲	۲۷۰	۲۶۶	۱۶۴	۲۳۳	۶۴	• درس ۱۱
۴۰۴	۲۷۶	۲۶۸	۱۷۰	۲۳۴	۷۰	• درس ۱۲
۴۰۶	۲۸۳			۲۳۶	۷۶	• درس ۱۳
۴۰۸	۲۸۹	۳۷۰	۱۷۸	۲۳۸	۸۲	• درس ۱۴
		۳۷۲	۱۸۴			• درس ۱۵
۴۱۱	۲۹۶	۳۷۴	۱۹۱	۳۴۰	۸۸	• درس ۱۶
۴۱۳	۳۰۳	۳۷۶	۱۹۷	۳۴۲	۹۴	• درس ۱۷
۴۱۵	۳۰۷	۳۷۹	۲۰۳	۳۴۴	۹۹	• درس ۱۸ - نیایش

## درسنامه

۴۱۸	• واژگان
۴۳۵	• املا
۴۴۱	• تاریخ ادبیات
۴۴۷	• آرایه‌های ادبی
۴۵۹	• دستور زبان
۴۶۸	• قرابت معنایی
۴۸۸	• سراینده‌شناسی
۴۹۴	• پاسخنامه کلیدی



پاسخ‌نامه این درس را  
در صفحه ۳۴۹ بخوانید.

درس ۲

# قاضی بُست



## واژگان

۸۶۰- در کدام گزینه معنی تمام واژه‌ها درست است؟

- (۱) ایزد: آفریدگار، (چاشتگاه: نزدیک عصر)، (دربایست: نیاز)  
(۳) (رقعت: یادداشت)، (مؤگد: استوار)، (مقرون: همراهی)  
(۲) (روضه: گلزار)، (ندیم: همنشین)، (لختی: اندکی)  
(۴) (افگار: زخم)، (بی‌شبهت: بی‌تردید)، (درست: سالم)

۸۶۱- معنی مقابل کدام واژه نادرست است؟

- (۱) وبال: سختی و عذاب، گناه (۲) محجوب: پنهان، مستور، پوشیده  
(۳) همایون: خجسته، مبارک، فرخنده (۴) کافی: کفایت، لایق، کارآمد  
۸۶۲- معنای درست واژه‌های «فراخ‌تر، فراغ، کراهیت، کوشک» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟  
(۱) آسوده‌تر، آسایش، ناصواب، قصر (۲) راحت‌تر، آسوده، ناپسندی، کاخ  
(۳) راحت‌تر، آسودگی، ناپسندی، قصر (۴) آسوده‌تر، آسودگی، زشت، کاخ

۸۶۳- در کدام گزینه، معنی واژه‌های غلط آمده است؟

- (۱) (دربایست: ضرورت) (یک دوال: یک لایه)  
(۳) (شراع: سایه‌بان) (ناو: کشتی)  
(۲) (زایل‌شدن: برطرف‌شدن) (زر پاره: زر سگه‌شده)  
(۴) (رقعت: امضای پادشاه) (صلت: پاداش)

۸۶۴- معنی کدام واژه در مقابل بیت نادرست آمده است؟

- (۱) ای بر درت خیل و حشم بیرون خرام ای محتشم  
(۲) شنیدم که پیری به راه حجاز  
(۳) گرفتم دوال کمر بند اوی  
(۴) در مظالم ملک را توقیع تو حبل‌المتین  
زیرا که سرمست و خوشم زان چشم مست دلربا (خدمتکاران)  
به هر خطوه کردی دو رکعت نماز (قدم)  
بیفشاردم سخت پیوند اوی (چرم)  
در ضیافت خلق را احسان تو حسن‌المآب (سفارش)

۸۶۵- از میان واژگان زیر چند واژه نادرست معنی شده است؟

- (اطبأ: پزشکان)، (زر پاره: قراضه و خرده زر)، (خطوات: گام‌ها)، (مقارِب: در کنار هم)، (مطرب: موسیقی)، (مؤگد: تأکید کردن)، (مخنقه: گردن‌بند)، (مبشَر: مژده‌رسان)، (نماز پیشین: نماز عصر)، (غزو: جنگ کردن با کافران)، (خیلتاش: هر یک از سپاهیان که از یک دسته باشند)  
(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۸۶۶- معنای مقابل کدام واژه نادرست است؟

- (۱) فرود سرای: اندرونی، اتاقی در خانه که پشت اتاقی دیگر واقع شده باشد، مخصوص زن و فرزند و خدمتگزاران  
(۲) مرغزار: زمینی که دارای سبزه و گل‌های خودرو است.  
(۳) یوز: جانوری شکاری، کوچک‌تر از پلنگ که با آن به شکار می‌روند.  
(۴) سرسام: سردرد و سرگیجه که موجب تب و تهوع می‌شود.

۸۶۷- در تمام گزینه‌ها، معنی واژه‌های غلط آمده است، به جز .....

- (۱) (ستدن: یافتن)، (صعب: دشوار)، (نکت: نکته‌ها)، (لله درگما: خدا شما را خیر بسیار دهد)  
(۲) (خیرخیر: نگاه گستاخانه)، (راغ: دامنه سبز کوه)، (شبگیر: پیش از صبح)، (وزر: گناه)  
(۳) (علت: بیماری)، (عقد: گردن‌بند)، (ضیعت: زراعت)، (مهمات: کارهای مهم و خطیر)  
(۴) (عارضه: حادثه)، (سور: جشن)، (گداختن: ذوب کردن)، (گرامت‌زده: تاوان‌زده)

۸۶۸- معنی چند واژه در مقابل آن غلط است؟

- (مقرون: همراه و پیوسته)، (سبحان الله: شگفتا)، (قضا: سرنوشت)، (شبگیر: اول شب)، (کران: ساحل)، (علت: حادثه)، (وزر: بار سنگین)، (فیروزه‌فام: به رنگ فیروزه)، (عزوجل: عزیز است و بزرگ و ارجمند)، (فارغ‌شدن: آسوده‌شدن از کار)  
(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۸۶۹- در کدام گزینه معنی بعضی واژه‌ها نادرست است؟

- (۱) (هزاهز: آشوب) (عمید: بزرگ و سرور) (گسیل کردن: روانه کردن)  
(۳) (شاهد: زیبارو) (غریو: فریاد) (تشویش: بی‌قراری)  
(۲) (مثال دادن: نمونه آوردن) (شمار دادن: حساب پس دادن) (عرصه: میدان)  
(۴) (عرضه‌ده: نمایانگر) (توقیع کردن: مهربان کردن) (اعیان: بزرگان)



۸۷۹- در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) حق همسایه دل آن است که معرفت و دانش خود را از شائبه بدعت و آرایش فتنه پاک گردانی و به لباس شریعت آراسته فرماید.
- ۲) چگونه نیامدمی و به چه تأویل روا داشتی و از آن زندگانی که در فراق دوستان گذرد چه لذت توان یافت؟
- ۳) و اصحاب حزم گناه ظاهر را عقوبت مسطور و جرم مسطور را عقوبت ظاهر جایز نشمرند.
- ۴) جایی که کار به جان افتد اگر از روی دین و حمیت کوششی پیوسته آید، برکات آن را صورت نبندد و هم از ادراک غایت آن قاصر باشد.

۸۸۰- کدام بیت فاقد غلط املائی است؟

- ۱) من آن نیم که برای حتام بر در خلق
- ۲) یک گره را خانه‌ها در غیبت وذر و بزه
- ۳) روضه، چشم پر ز نازش را ز مستی دوخته
- ۴) به مرغزار قضا از درخت باس و عمل

۸۸۱- در کدام گزینه، غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد. بانگ و هراز و غریو خواست. امیر برخاست.
- ۲) در هر سفری ما را از این بیارند تا صدقه‌ای که خواهیم کرد حلال بی‌شبهت باشد.
- ۳) دوات خواست و توقیع کرد. تا نزدیک نماز پیشین از این مهمات فارغ شده بود و خیلانشان را گسیل کرده.
- ۴) خطوه‌اش در قرب هم در آن مرغزار گام برمی‌داشت و روزی سه چار بر این قاعده می‌رفت.

تاریخ ادبیات

۸۸۲- با توجه به متن زیر کدام گزینه درست است؟

«قاضی بست از کتاب ..... انتخاب شده که نویسنده آن ..... است، و زاغ و کبک از مثنوی ..... که سراینده آن ..... است.»

- ۱) تاریخ بیهق - ابوالحسن بولانی - تحفة الاحرار - جامی
- ۲) تاریخ بیهقی - ابوالفضل بیهقی - جوامع الحکایات - عوفی
- ۳) تاریخ بیهقی - ابوالفضل بیهقی - تحفة الاحرار - جامی
- ۴) کلیله و دمنه - ابوالمعالی نصرالله منشی - روضه خلد - مجد خوافی

آرایه‌های ادبی

۸۸۳- در کدام موارد واژه مشخص شده، «مجاز» است؟

- الف) در کف دست کریمان نیست گوهر را قرار
  - ب) به ایبران فرستم فرستاده‌ای
  - ج) گفت خردپیشه که خاموش باش
  - د) این ملک به شمشیر برای تو گشادند
  - ه) کسی را بُود زین سپس تخت تو
- ۱) ب - ج - د      ۲) ج - د - ه      ۳) الف - د - ه      ۴) ب - ج - ه

۸۸۴- در همه گزینه‌ها آرایه «مجاز» یافت می‌شود؛ به جز .....

- ۱) شد چو انگشتر دلم خالی ز مهر نیکوان
- ۲) می‌زند حرفی برای خویش واعظ، می بکش
- ۳) پس از وفات به خاکم خرام بهر خدای
- ۴) ای مدعی که می‌گذری بر کنار آب

۸۸۵- آرایه‌های مقابل کدام بیت «همگی» درست هستند؟

- ۱) به گوشش ناله بلبل خوش آمد
- ۲) در خرابات مرا دوش به دوش آوردند
- ۳) ماه از اثر مهر رخت یافت نشانی
- ۴) گرد بازار بگرد اینک و احوال ببین

۸۸۶- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

- «هرچند چو گل گوش فکندیم در این باغ»
- ۱) تشبیه - مجاز - کنایه - استعاره
  - ۲) تشبیه - تشخیص - جناس - حس آمیزی
  - ۳) تشبیه - مجاز - کنایه - استعاره
  - ۴) مجاز - ایهام - حس آمیزی - مراعات نظیر



(تاریخ ۹۲)

۸۸۷- ترتیب قرار گرفتن ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های «تناقض، مجاز، ایهام و استعاره» کدام است؟

- (الف) به سلیمان برسانید که من  
(ب) ما را ز زیر پر هست راهی به آن گلستان  
(ج) منم که معنی بیگانه آشنای من است  
(د) بسیار دیده‌ایم درختان میوه‌دار
- (۱) ب - ج - الف - د (۲) ج - الف - د - ب (۳) ب - ج - د - الف (۴) ج - د - الف - ب

(زبان ۹۰)

۸۸۸- در همه ابیات به جز بیت ..... همه آرایه‌های «تشبیه، جناس، مراعات نظیر و کنایه» یافت می‌شود؟

- (۱) نقد بازار جهان بنگر و آزار جهان  
(۲) شکر شکر ز طوطی روان باز مدار  
(۳) نه چو بلبل، منم آن سدره‌نشین شهباز  
(۴) گل‌عذاری ز گلستان جهان ما را بس

(تاریخ ۹۶)

۸۸۹- در کدام ابیات «تشبیه و استعاره» هر دو به کار رفته است؟

- (الف) شب وصال تو چون باد بی وصال بود  
(ب) روح ز تو خوب‌تر به خواب نبیند  
(ج) پیوند روح می‌کند این باد مشک‌بیز  
(د) جان‌ها ز دام زلف چو بر خاک می‌فشاند
- (۱) الف - ب (۲) الف - ج (۳) ب - د (۴) ج - د

(ریاضی ۹۲)

۸۹۰- در مصراع اول بیتی که تلمیح یا تمثیل ندارد، چند استعاره به کار رفته است؟

- (۱) چنین گفت پیغمبر راستگوی  
(۲) چه گفت آن سخنگوی پاسخ‌نیوش  
(۳) بگسטרده کافور بر جای مشک  
(۴) آسمان بار امانت نتوانست کشید

(ریاضی ۹۷)

۸۹۱- آرایه‌های بیت زیر کدام است؟

- «قضای لازم است آن را که بر خورشید عشق آرد»  
(۱) تشبیه - ایهام - مجاز  
(۲) تشبیه - استعاره - ایهام - تناسب  
(۳) استعاره - کنایه - مجاز  
(۴) تشبیه - استعاره - ایهام - تناسب

(انسانی ۹۸)

۸۹۲- هر دو آرایه مقابل کدام بیت درست است؟

- (۱) پیمانۀ حیاتم پر شد فغان که نتوان  
(۲) برخیز تا به پای شود روز رستخیز  
(۳) شد چمن انجمن از بوی خوشش پنداری  
(۴) اسباب پریشانی، جمع است برای من
- پیمان از او گرفتن پیوند از او بریدن (حسن تعلیل - جناس)  
وان‌گه بین شهید غمت در چه حالت است (تلمیح - ایهام)  
که سمن در بغل و گل به گریبان دارد (جناس - حس آمیزی)  
جمعیّت اگر خواهی زان طَـرَـه پریشان باش (پارادوکس - مجاز)

(کانون فرهنگی آموزش)

۸۹۳- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... رابطه معنایی «تناسب» وجود دارد.

- (۱) انکار و قبول تو مرا هر دو یکی شد  
(۲) به شفاخانه بریدش که سراپد هذیان  
(۳) توقیع تو عزیز است از شام تا به غزین  
(۴) ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

۸۹۴- در هر یک از ابیات زیر، به استثنای بیت ..... واژه‌ای آمده که با کلمه «دبیر» رابطه معنایی «تناسب» دارد.

- (۱) مبشّران سعادت بر این بلند رواق  
(۲) اگر ز گوشه خاطر نبرده است مرا  
(۳) آب حیات در ظلمات دوات توست  
(۴) صورت این قضمه دانی چیست؟ یعنی قاصدی
- همی‌کنند نندا، در ممالک آفاق  
چرا به گوشه مکتوب می‌بَرَد نام؟  
این چشمه‌سار، زندگی جاودان دهد  
رقعه‌ای از حال درویشی به سلطان می‌بَرَد

۸۹۵- کدام گزینه دربردارندهٔ واژه‌ای است که با کلمهٔ «علت» در بیت زیر، رابطهٔ معنایی «تناسب» دارد؟

- «پرهیز مکن ز کیمیایی که از او  
 ۱) خرد، دوش از من بپرسید و گفتا  
 ۲) ای روی خوب تو سبب زندگانی‌ام  
 ۳) ای دلیل دل گمگشته، خدا را مددی  
 ۴) شربت قند و گلاب از لب یارم فرمود»

۸۹۶- در کدام گزینه «جملهٔ مجهول» دیده می‌شود؟

- ۱) چون به آن‌چه دارم و اندک است قانعم، وزر و وبال این، چه به کار آید؟  
 ۲) دوات خواست و توقیع کرد و گفت: چون نامه‌ها گسیل کرده شود، تو باز آئی.  
 ۳) امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید و تر و تباه شده بود.  
 ۴) ایزد رحمت کرد پس از نمودنِ قدرت. و سوری و شادی‌ای به آن بسیاری تیره شد.

۸۹۷- در کدام عبارات، «جملهٔ مجهول» آمده است؟

- الف) در این دو سه روز، بار داده آید که علت و تب تمامی زایل شد.  
 ب) یک دوال پوست و گوشت بگسست و هیچ نمانده بود از غرقه‌شدن.  
 ج) سجدهٔ شکر کرد خدای را عزوجل بر سلامت امیر و نامه نبشته آمد.  
 د) پس، از اسب تازی پیاده شد و بر مرکب پارسی سوار گشت.

۴ - ج - د

۳ - الف - ج

۲ - ب - د

۱ - الف - ب

۸۹۸- در کدام بیت، «فعل مجهول» به کار رفته است؟

- ۱) افضل که ز دیده‌ها نهران خواهد شد  
 ۲) مسکین دلم به قامت او رفت و خسته شد  
 ۳) عطّار ز عشق او، سرگشته و حیران شد  
 ۴) برگشت ز من بشست دستش

۸۹۹- در کدام بیت «فعل مجهول» به کار نرفته است؟

- ۱) تا گل شکفته شد، گرو می‌فروش کرد  
 ۲) بزرگ‌گیا، گر خطایی کرده آمد  
 ۳) مرد را جمله دل چو دیده شود  
 ۴) سبزهٔ این چمن دروده نشد

۹۰۰- در کدام بیت «فعل مجهول» به کار رفته است؟

- ۱) از نور طلعت او دیده شود منور  
 ۲) به پرسش من در خون نشسته می‌آید  
 ۳) لعل تو در خنده شد رشتهٔ پروین گسست  
 ۴) جهانجوی اگر کشته گردد به نام

۹۰۱- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده در همهٔ ابیات زیر، به جز بیت ..... یکسان است.

- ۱) زنگ زدود آینهٔ باغ را  
 ۲) نادره کبکی به جمال تمام  
 ۳) هم حرکاتش متناسب به هم  
 ۴) کرد فرامش ره و رفتار خویش

۹۰۲- جملهٔ هسته (پایه) در کدام بیت دارای «مفعول» است؟

- ۱) از پری‌خانهٔ چین باج ستاند فانوس  
 ۲) گریهٔ شادی ما تلخ نگردد «صائب»  
 ۳) فتنهٔ صد انجمن، آشوب صد هنگامه‌ایم  
 ۴) از باد خزان سرد نگردد دل گرمش

۹۰۳- در جملهٔ پایانی عبارت «اگر وی را یک روز دیده بودمی و احوال و عادات وی بدانسته، واجب کردی که در مدت عمر، پیروی او کردمی؛ پس چه جای آن که

سال‌ها دیده‌ام» کدام اجزای جمله به «قرینهٔ لفظی» حذف گردیده است؟

۴) متمم - فعل

۳) مفعول - مسند

۲) نهاد جدا - مفعول

۱) نهاد جدا - متمم

(کانون فرهنگی آموزش)

(کانون فرهنگی آموزش)

(هنر ۹۷ - با تغییر)

(ریاضی ۸۲)

۹۰۴- هدف از به جای آوردن تدابیر زیر با توجه به داستان «قاضی بست» بیهقی چه بوده است؟

«یافتیم خانه تاریک کرده و پرده‌های کتان آویخته و تر کرده و امیر را یافته آن‌جا بر زبر تخت نشسته پیراهن توزی، مخنقه در گردن، عقدی همه کافور و بوالعلا طیب آن‌جا زبر تخت نشسته دیدم.»

- ۱) تخفیف میزان تب و اعتدال دمای بدن امیر
- ۲) آماده کردن امیر جهت جزای و شکافتن جراحت
- ۳) مساعد کردن محیط برای اقدام به زخم‌بندی
- ۴) کاهش خشم امیر و ایجاد مکانی مناسب جهت آرامش روانی

(هنر ۸۷)

۹۰۵- عبارت «آن‌چه دارم از اندک‌مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم» با کدام بیت تناسب معنایی ندارد؟

- ۱) درویش را که ملک قناعت مسلم است
- ۲) گنج زر گر نبود کنج قناعت باقی است
- ۳) در قناعت که تو را دسترس است
- ۴) قناعت می‌کنم با درد چون درمان نمی‌یابم

(تبری ۹۱)

۹۰۶- دلیل «پرهیز از تنعم و عدم پذیرش صلّه» در کدام عبارت متفاوت است؟

- ۱) چون به آن‌چه دارم و اندک است قانعم، وزر و وبال این، به چه کار آید؟
- ۲) به زندگی درویشانه قناعت کرده بود، نه از بخل بلکه از آن جهت که بیشتر از آن احتیاج نداشت.
- ۳) آن‌چه دارم از اندک‌مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.
- ۴) بر من پوشیده است که آن غزوها بر طریق مصطفی هست یا نه. من این نپذیرم و در عهدۀ این نشوم.

(تبری ۹۲)

۹۰۷- عبارت «قاضی بسیار دعا کرد و گفت این صلت فخر است. پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد.» با همه ابیات به‌جز ..... تناسب مفهومی دارد.

- ۱) اگر عنقا ز بی‌برگی بمیرد
- ۲) مکن باور که هرگز تر کند کام
- ۳) عقاب آن‌جا که در پرواز باشد
- ۴) با عقاب تیزچنگ و با همای خوب‌پر

(هنر ۹۳)

۹۰۸- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) قناعت کن ای نفس بر اندکی
- ۲) خنک نیک‌بختی که در گوشه‌ای
- ۳) قناعت سرافرازد ای مرد هوش
- ۴) مرو در پی هر چه دل خواهدت

(ریاضی خارج ۹۷)

۹۰۹- عبارت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) «نگویم که مرا سخت دریا بست نیست اما چون به آن‌چه دارم و اندک است قانعم وزر و وبال این، به چه کار آید؟»
- ۲) شتاب است دیو و فرشته درنگ
- ۳) بین که گنجشک می‌نگیرد باز
- ۴) گنجشک به دست است به از باز پریده
- ۵) که را می‌کشد دل به دیدار زاغ؟

(زیان ۹۸)

۹۱۰- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) بهشت جاودان خواهی به دل خوردن قناعت کن
- ۲) می‌پندار کاین قول معقول نیست
- ۳) لب‌بسته در محیط صدف کرد زندگی
- ۴) هر که به خس کرد قناعت، خسی است

(عمومی خارج ۹۸)

۹۱۱- مفهوم کلی همه ابیات با یکدیگر تناسب دارند به‌جز .....

- ۱) چه کوشی بهر یک گوهر به کان تیره هستی
- ۲) چرا تا زر و داروویت هست از درد بخروشی؟
- ۳) چو زرع و خوشه داری از چه معنی خوشه‌چین استی؟
- ۴) چه زنگی می‌توان از دل سردن با سیه‌رایی؟

۹۱۲- کدام بیت با بیت «عاقبت از خامی خود سوخته/ رهروی کبک نیاموخته» ارتباط معنایی ندارد؟

- ۱) در حلقه تقلید گرفتار نگشتیم
- ۲) چه قدر راه به تقلید توان پیمودن؟
- ۳) قمری از پاس غلط در حلقه تقلید ماند
- ۴) ریسمان‌بازی تقلید بود پیشه عقل

#### ۹۱۳- کدام بیت با سایر ابیات تقابل مفهومی دارد؟

- (۱) به امّارات عقل دان و حواس  
 (۲) عالم تقلید یکسر دامگاه گفت‌وگوست  
 (۳) از ره تقلید نتوان بهره‌ عَزّت گرفت  
 (۴) تقلید چند باید در جلوه‌گاه تحقیق؟

(زبان ۸۵)

#### ۹۱۴- همهٔ ابیات به‌جز بیت ..... به «عدم تقلید کورکورانه» توصیه می‌کند.

- (۱) چند منقاد هر کسی باشی؟  
 (۲) هم ز خود جوی هر چه می‌جویی  
 (۳) خودپسندی مکن که اهل نظر  
 (۴) پی تقلید رفتن از کوری است

(ریاضی ۸۴)

#### ۹۱۵- مفهوم همهٔ ابیات به‌جز بیت ..... «دعوت به ابداع و نوآوری و پرهیز از تقلید نابه‌جاست».

- (۱) مشو مقید همراه اگرچه توفیق است  
 (۲) در پس آینه طوطی‌صفتم داشته‌اند  
 (۳) خواه بد و خواه نیک هر چه کنی تازه کن  
 (۴) از ره تقلید اگر حاصل شود کسب کمال

(ریاضی ۹۰)

#### ۹۱۶- سفارش کدام بیت به «اتکای به نفس و عدم وابستگی به غیر» است؟

- (۱) ز خود چو مایه ندارد از آن بکاهد ماه  
 (۲) به دست خواجه دهند آستین دولت را  
 (۳) بخبر به جان گران‌مایه وصل جانان را  
 (۴) مراد اهل دل از دیر و کعبه بیرون است

(ریاضی ۸۸)

#### ۹۱۷- مفهوم ابیات زیر با کدام بیت تناسب ندارد؟

- «عاقبت از خامی خود سوخته  
 کرد فراموش ره و رفتار خویش  
 (۱) کلاغی تک (= دویدن) کبک در گوش کرد  
 (۲) مآر را هرچند بهتر پروری  
 (۳) مسکین‌خرک آرزوی دُم کرد  
 (۴) گیرم که مارچوبه کند تن به شکل مار

(کانون فرهنگی آموزش)

#### ۹۱۸- کدام گزینه با عبارت زیر قرابت مفهومی ندارد؟

- «ایزد رحمت کرد پس از نمودن قدرت»  
 (۱) ملک‌العرش پس از قدرت، رحمت بنمود  
 (۲) چون خدا خواست کند خلقت نوع بشری  
 (۳) ایزد چو بخواهد بگشاید در رحمت  
 (۴) که چون خدای ببندد دری ز حکمت خویش

(کانون فرهنگی آموزش)

#### ۹۱۹- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- (۱) خودحسابان «صائب» از دیوان محشر فارغاند  
 (۲) تو حساب خویشتن کن نه عتاب خلق «سعدی»  
 (۳) شب فراق غمت لطفها که با دل من کرد  
 (۴) مکن به کاهلی امروز خویش را فردا

(کانون فرهنگی آموزش)

#### ۹۲۰- پیام داستان «زاغ و کبک» با مفهوم کدام گزینه تناسب ندارد؟

- (۱) طبع دون از ره تقلید به نیکان نرسد  
 (۲) اهل تقلید ندارند ثباتی در ذات  
 (۳) کام تقلید ز نعمت نبرد بهرهٔ ذوق  
 (۴) تقلید چون عصاست به دستت در این سفر

(کانون فرهنگی آموزش)

#### ۹۲۱- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) بلبلی را که به دیدار ز گل قانع شد  
 (۲) باش خرسند چو مردان به قناعت «صائب»  
 (۳) مورم اما خوشه‌چین خرمن دونان نی‌ام  
 (۴) دل قانع ز احسان کریمان است مستغنی

- ۸۶۰- گزینه ۱ چاشتگاه: نزدیک ظهر، هنگام چاشت ۳ مقرون: پیوسته، همراه ۴ افکار: مجروح، خسته
- ۸۶۱- گزینه ۴ «کافی» به معنی «باکفایت» است نه کفایت، چون «کافی» صفت است نه اسم.
- ۸۶۲- گزینه ۲ فراخ‌تر: آسوده‌تر، راحت‌تر/ فراغ: آسایش، آسودگی/ کراهیت: ناپسندی/ کوشک: ساختمانی بلند، وسیع و زیبا که اغلب در میان باغ قرار گرفته است؛ قصر، کاخ
- ۸۶۳- گزینه ۴ «زُفَعَت» به معنی رقعۀه، نامۀه کوتاه و یادداشت است.
- ۸۶۴- گزینه ۴ «توقیع» به معنی مهر یا امضای پادشاهان و بزرگان در ذیل یا بر پشت فرمان یا نامه است.
- ۸۶۵- گزینه ۳ ۱- مطرب: آوازخوان، نوازنده ۲- مؤکد: تأکیدشده، استوار ۳- نماز پیشین: نماز ظهر
- ۸۶۶- گزینه ۴ «سرسام» به معنی توژم سر و مغز و پرده‌های آن که یکی از نشانه‌های آن هذیان بوده است.
- ۸۶۷- گزینه ۴
- ۱ سندن: ستاندن، دریافت کردن ۲ خیرخیر: سریع ۳ ضیعت: زمین زراعتی
- ۸۶۸- گزینه ۲ ۱- شبگیر: سحرگاه، پیش از صبح ۲- علت: بیماری
- ۸۶۹- گزینه ۲ مثال دادن: فرمان دادن
- ۸۷۰- گزینه ۱ در بیت اول «برنشین» یعنی بر تخت بنشین اما در سایر ابیات به معنی «سوارشدن» آمده است.
- ۸۷۱- گزینه ۱ در این گزینه «بار» به معنای «محموله» است اما در گزینه‌های دیگر به معنای «اجازۀ ورود» است.
- ۸۷۲- گزینه ۲ ادبار: بدبختی، سیه‌روزی، متضادّ اقبال/ حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی/ شوریده‌رنگ: آشفته‌حال/ زنخدان: چانه
- ۸۷۳- گزینه ۲ «محبوب» در این گزینه می‌تواند به معنی «باحیا و باشرم» معنی شود، اما در گزینه‌های دیگر این واژه قطعاً به معنی «در حجاب، در پرده و پوشیده» به کار رفته است.
- ۸۷۴- گزینه ۲ ۱- قریو ← غریو/ ۲- سعب ← صعب
- ۸۷۵- گزینه ۲ «قاضی» در ابیات (۱)، (۳) و (۴) یعنی حکم‌کننده، قضاوت‌کننده، اما در بیت دوم، مقصود شاعر «غازی» است یعنی جنگجو، غزوکننده.
- ۸۷۶- گزینه ۴ در گزینه (۴) «فراق» (دوری) نادرست است و املای صحیح آن «فراغ» (آسودگی) است.
- ۸۷۷- گزینه ۳
- ۱ رثیت ← رعیت ۲ سرصام ← سرسام ۴ آقاجی ← آغاجی
- ۸۷۸- گزینه ۲ ۱- گذارده ← گزارده ۲- صور به معنی شیپور ← سور به معنی شادی
- در این متن، «حق گزارده شود» آمده، یعنی اداکردن حق و در این معنی، واژه «گزاردن» صحیح است.
- ۸۷۹- گزینه ۳ واژه «مستور» به معنی «پوشیده و پنهان» در هر دو مورد در گزینه (۳) غلط نوشته شده است.
- ۸۸۰- گزینه ۴ ۱ حتام ← حطام به معنی مال دنیا ۲ وذر ← وزر به معنی گناه ۳ روضه ← روزه به معنی روزه‌داری ماه رمضان/ عتاب

۸۸۱- گزینه ۱ غریو خواست ← غریو خاست (= برخاست)

۸۸۲- گزینه ۳

۸۸۳- گزینه ۲ «ج»: مجاز: گوش ← شنونده/ «د»: مجاز: شمشیر ←

جنگ و قدرت و ستیز/ «ه»: مجاز: تخت ← پادشاهی

۸۸۴- گزینه ۱ در این بیت هیچ واژه‌ای در معنای مجازی به کار نرفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ مجاز: حرف ← سخن - ساغر ← شراب یا باده ۳ مجاز:

خاک ← از گور، قبر ۴ مجاز: آب ← دریا، رودخانه

۸۸۵- گزینه ۳ ایهام: مهر: (۱) مهربانی (۲) خورشید/ «جهان»: مجاز از مردم جهان

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ مراعات نظیر: «گوش و چشم» و «بلبل و گل»/ ایهام:

ندارد. ۲ جناس همسان: «دوش» اول به معنی دیشب و «دوش» دوم به معنی

کتف/ حسن تعلیل: ندارد. ۴ استعاره: بازار ← دنیا/ تشبیه: ندارد.

۸۸۶- گزینه ۱ تشبیه: چو گل/ مجاز: حرف ← سخن («حرف» جزئی از

سخن است و مجازاً به معنای سخن به کار رفته است). - باغ (مجاز از نوع استعاره)/

کنایه: راه به جایی بردن ← به مقصد و مقصود رسیدن/ استعاره: باغ ← دنیا (با

توجه به آرایۀ حس آمیزی به راحتی می‌توانستید گزینه‌های (۲) و (۴) را حذف کنید.)

۸۸۷- گزینه ۲ «الف» ← مجاز: نگین ← انگشتری/ «ب» ← استعاره:

گلستان ← عالم معنویت و عشق/ «ج» ← تناقض: معنی بیگانه، آشنای من است/

«د» ← ایهام: به: (۱) بهتر (۲) میوه به.

۸۸۸- گزینه ۴ تشبیه: گل‌عذار (چهرۀه چون گل؛ «عذار = چهره») -

گلستان جهان/ مراعات نظیر: گل، گلستان، چمن و سرو

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ تشبیه: بازار جهان/ جناس: بازار و آزار/ مراعات نظیر:

نقد، بازار، سود و زیان/ کنایه: بس بودن سود و زیان چیزی ← رهاکردن آن چیز

۲ تشبیه: «شکر شکر» و «طوطی روان»/ جناس: شکر و شکر/ مراعات نظیر: شکر،

طوطی و قفس/ کنایه: شکر از روان بازداشتن ← شکرگزار بودن و کنایه: دو سه

روز ← زمان اندک ۳ تشبیه: من [مثل] آن شهباز سدره‌نشین هستم/ جناس: هوا

و هوس/ مراعات نظیر: سدره، ملکوت/ کنایه: سدره‌نشین بودن ← داشتن مقام والا

و مقرب بودن («سدره» یا «سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى» درختی در آسمان هفتم است).

۸۸۹- گزینه ۳ «ب» ← تشبیه: آفتابی چون تو/ استعاره از نوع تشخیص:

«خواب‌دیدن روح» و «چشم فلک»/ «د» ← تشبیه: دام زلف/ استعاره از نوع

تشخیص: ای صبا (شاعر با باد صبا سخن گفته است).

بررسی سایر ابیات: «الف» ← تشبیه: شب وصال تو چون باد/ استعاره: ندارد.

«ج» ← تشخیص و استعاره: «پیوندکردن به دست باد» و «بیختن و غربال کردن

به دست باد»/ تشبیه: ندارد.

۸۹۰- گزینه ۳ استعاره: کافور ← موی سپید - مشک ← موی سیاه/

تلمیح یا تمثیل: ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ تلمیح به حدیث مشهور پیامبر اکرم ﷺ «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنْ

الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» (از گهواره تا گور علم و دانش بجوید.)/ استعاره: ندارد. ۲ مصراع

دوم تمثیل است اما در مصراع اول استعاره وجود ندارد. ۴ تلمیح به آیه ۷۲ سورۀ

مبارکۀ احزاب که به آیه «امانت» مشهور است و ترجمۀه آن این است: «همانا ما امانت

را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، آن‌ها از برداشتن آن، سر تافتند و از آن

هراسیدند و انسان آن را بر دوش گرفت؛ به راستی که او بسیار ستمگر و نادان بود.»

۸۹۱- گزینه ۲ تشبیه: آن (عاشق) همچون دژه/ تشخیص و استعاره:

گرفتارشدن دژه/ ایهام تناسب: «مهر» در معنی «عشق» به کار رفته است، اما در

معنی «آفتاب» با «خورشید» تناسب دارد.

۸۹۲- **گزینه ۲** پارادوکس: جمعیت (= آسودگی خاطر) را از یک چیز پریشان به دست آوردن/ مجاز: طَرَه ← زلف واژه «طَرَه» در اصل به معنای «کناره و حاشیه» است؛ مویی را نیز که بر پیشانی ریخته می‌شده به «طَرَه» تشبیه می‌کرده‌اند؛ در این بیت واژه «طَرَه» در معنای حقیقی خود نیست و موی ریخته‌شده بر پیشانی یا تمامی زلف مد نظر است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ جناس: پیمان و پیمان/ حسن تعلیل: ندارد. ۲ ایهام: حالت ← (۱) چگونگی، وضع (۲) خوشی، سرمستی/ تلمیح: ندارد. ۳ جناس: چمن و سمن/ حس آمیزی: ندارد.

۸۹۳- **گزینه ۱**

۱ انکار و قبول: رابطه تضادی ۲ شفاخانه، پزشکان، هذیان، سرسام: رابطه تناسب ۳ شام، غزنین، هند، صنعا: رابطه تناسب ۴ ابر و باد/ ماه، خورشید، فلک: رابطه تناسب

۸۹۴- **گزینه ۱** «دبیر» به معنی نویسنده، به ترتیب با واژه‌های «مکتوب، دوات، رقع» رابطه معنایی تناسب دارد.

۸۹۵- **گزینه ۴** «علت» به معنی بیماری با «شربت، طبیب و بیمار» تناسب دارد.

۸۹۶- **گزینه ۲** «گسیل کرده شود» فعل مجهول است.

• در فعل مجهول، مفعول به جای نهاد قرار می‌گیرد.

۸۹۷- **گزینه ۳** «الف» بار داده آید (داده شود)/ «ج»: نامه نبشته آمد (نوشته شد)

**نکته**  
در عبارت «د»، چون «پیااده» صفت مفعولی نیست، فعل مجهول نداریم.

۸۹۸- **گزینه ۴** فعل «شسته شد» مجهول است.

**نکته**  
گاهی صفت مفعولی نقش مسند می‌گیرد. در این صورت ممکن است با فعل مجهول و ... اشتباه شود. مثل «عطار سرگشته شد». در این جا به قرینه «حیران» که معطوف به «سرگشته» است می‌توانیم بی‌بریم که فعل مجهول نداریم.

۸۹۹- **گزینه ۱**

۱ گل شکفته شد. (گل: نهاد/ شکفته: مسند/ شد: فعل اسنادی)

**نکته**  
وقتی کننده کار (= فاعل) به عنوان نهاد در جمله وجود دارد، نمی‌توانیم فعل را مجهول بدانیم.

**مثال** گل شکفته شد. (عمل شکفتن را گل انجام می‌دهد).  
نهاد مسند فعل اسنادی

۲ کرده آمد (کرده شد) ۳ شنیده شود ۴ دروده نشد، رپوده نشد

**نکته**  
نمی‌توانیم هر واژه‌ای را که ساختار صفت مفعولی «بن ماضی + ه» دارد و قبل از «شدن» می‌آید، جزئی از فعل مجهول بدانیم. این کلمات ممکن است اسم باشند یا نقش اسم بگیرند. مثال: چو جمله دل مرد، دیده (چشم) شود ...

۹۰۰- **گزینه ۴** «کشته گردد» فعل مجهول است (صفت مفعولی + فعل معادل «شدن»).

**نکته**  
در گذشته برای مجهول کردن افعال علاوه بر «شدن» از «آمدن» و «گشتن و گردیدن» نیز استفاده می‌کردند.

بررسی ابیات دیگر: ۱ دیده (چشم) از نور طلعت او منور شود. (دیده به معنی چشم است). ۲ به پرسش من «در خون نشسته» می‌آید. (از یک سو «نشستن» گذرا به مفعول نیست تا به صیغه مجهول درآید از سوی دیگر «در خون نشسته» قید است). ۳ «خنده» صفت مفعولی نیست که ما «در خنده شد» را فعل مجهول بگیریم! «سرمست» صفت مفعولی نیست که «سرمست گشت» را فعل مجهول بدانیم!

۹۰۱- **گزینه ۴** «ره» در این بیت، مفعول است و سایر واژه‌ها نقش مسندی دارند.

۱ رخ راغ: نهاد/ خال سیه: مسند/ گشت: فعل اسنادی  
۲ نادره کبک: نهاد/ شاهد آن روضه: مسند/ [بود]: فعل اسنادی  
۳ خطواتش: نهاد/ متقارب: مسند/ [بود]: فعل اسنادی  
۴ ره و رفتار خویش را: مفعول/ فراموش کرد: فعل/ [از]: نهاد

۹۰۲- **گزینه ۱** جمله‌های هسته عبارت‌اند از:

۱ از پری خانه چین باج ستاند فانوس ← باج: مفعول  
۲ گریه شادی ما تلخ نگردد: فعل، اسنادی است.  
۳ فتنه صد انجمن، آشوب صد هنگامه هستیم: فعل، اسنادی است.  
۴ از باد خزان سرد نگردد: فعل، اسنادی است.

۹۰۳- **گزینه ۲** جمله پایانی: پس چه جای آن که [من]: نهاد (جدا)، سال‌ها، [وی را]: مفعول (دیده‌ام).

۹۰۴- **گزینه ۱** تدابیری مانند «پرده تر کتان آویختن» و «گردن‌بندی از کافور در گردن آویختن» کار پزشک امیر بود به جهت پایین آوردن تب پادشاه، یعنی این موارد خاصیت تب‌زدایی داشتند.

۹۰۵- **گزینه ۴** مفهوم محوری تست: «توصیه به قناعت و بیان ارزش آن». مفهوم بیت ۴ چون درمانی برای دردم وجود ندارد، به همین درد قناعت و بسنده می‌کنم.

۹۰۶- **گزینه ۴** قاضی بست نمی‌دانست که این سکه‌ها (صله) از راه حلال به دست آمده‌اند یا نه. (جنگ بر طریق مصطفی هست یا نه؟ آیا جنگ شما مشروع و به روش پیامبر بوده یا تجاوز به حریم دیگران بوده است؟)

اما در گزینه‌های دیگر دلیل عدم پذیرش صله، قناعت و پرهیز از زیاده‌خواهی دانسته شده است.

۹۰۷- **گزینه ۴** مفهوم محوری تست: «داشتن طبع و همت بلند»  
معنی ۴ آدم ضعیف (کبک) توان برابری با انسان‌های قوی (عقاب و هما) را ندارد.

۹۰۸- **گزینه ۲** مفهوم محوری تست: «قناعت مایه سرفرازی است».  
معنی ۲ خوشا به حال کسی که در عزلت، توشه‌ای از معرفت به دست بیاورد.

۹۰۹- **گزینه ۲** مفهوم محوری تست: «طبع و همت بلند داشتن/ حفظ عزت نفس»  
مفهوم ابیات دیگر: ۱ هر کسی، خوی و خصلت خود را دارد. ۲ ما مناسب شکار تو (معشوق) نیستیم ولی در اختیار تو هستیم (بهرتر از باز شکاری پریده هستیم).  
۴ با وجود طاووس، کسی رغبت به دیدن زاغ سیاه ندارد.

۹۱۰- **گزینه ۴** مفهوم محوری تست: «توصیه به قناعت»

معنی ۴ به هر چیزی قانع مباش، هر چه، بهتر طلب کنی به بهتر از آن دست می‌یابی. / توصیه به همت بلند داشتن

۹۱۱- **گزینه ۴** مفهوم محوری تست: «توصیه به استفاده کردن از داشته‌های خود»  
معنی ۴ «پرهیز از تنبلی و تن‌آسانی»

۹۱۲- **گزینه ۴** مفهوم محوری تست: «پرهیز از تقلید و مذمت آن»

معنی ۴ تقابل عقل و عشق

۹۱۳- **گزینه ۱** ابیات (۲)، (۳) و (۴) به «نکوهش تقلید» پرداخته‌اند اما در بیت گزینه (۱)، تقلید را سبب شناخت می‌داند.

- ۹۱۴- گزینه ۳ بیت گزینه (۳)، «خودپسندی و غرور» را مذمت می‌کند.
- ۹۱۵- گزینه ۲ بیت گزینه‌های (۱) و (۴)، به پرهیز از تقلید نابه‌جا اشاره می‌کند و در بیت گزینه (۳) نیز، سخن از اختراع و نوآوری به میان آمده است، اما در بیت دوم به «جبرگرایی و اختیار نداشتن» اشاره کرده است.
- ۹۱۶- گزینه ۱ ماه، چون از خود نوری ندارد، از آن جهت کاسته می‌شود و به شکل هلال درمی‌آید، تو مثل ماه نباش بلکه مانند گل باش که چون خود، گوهر دارد همیشه زرافشانی می‌کند.
- بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ دولت و اقبال را به سروران می‌دهند، چه تو راضی باشی چه ناراضی. ۳ با جان عزیزت، وصال معشوق را به دست بیاور و گرنه تا ابد در هجران خواهی سوخت. ۴ صاحبان دل (عارفان)، مقصودشان تنها، خداوند است و هرگز در بند ظواهر امر نیستند.
- ۹۱۷- گزینه ۲ مفهوم مشترک تمامی ابیات: «آرزوی مثل دیگران شدن، خود بودن را نیز از آدمی می‌گیرد.» (سعی کن همیشه خودت باشی.)  
بیت دوم: مار تربیت‌پذیر نیست و نیش او ذاتی است (نیش عقرب نه از ره کین است/ اقتضای طبیعتش این است)  
مفهوم کلی بیت ۲ بدذات تربیت‌پذیر نیست.
- ۹۱۸- گزینه ۲ مفهوم محوری تست: «رحمت و قدرت خداوند و آسان نمودن دشواری‌ها»  
معنی ۲ زمانی که خداوند خواست انسان را خلق کند و قدرت خود را به همه نشان دهد ...
- ۹۱۹- گزینه ۳ مفهوم محوری تست: «کسی که در این دنیا به حساب خود برسد، از حساب قیامت نمی‌ترسد.»  
معنی ۳ لطفی که غم فراق تو به من کرد تا قیامت هم قابل حساب کردن نیست.
- ۹۲۰- گزینه ۴ ابیات (۱)، (۲) و (۳)، تقلید کردن را مذمت می‌کنند، اما در گزینه (۴)، تقلید را همانند عصایی می‌داند که به آدمی یاری می‌رساند.
- ۹۲۱- گزینه ۱ مفهوم محوری تست: «توصیه به قناعت»  
معنی ۱ عاشق اگر به یک نگاه راضی شود به هر شکلی از معشوق بهره‌مند می‌شود.

# واژگان

## || درس دوم ||

### واژه‌نامه‌ای

**تیمار:** غم، حمایت و نگاهداشت، توجه؛ تیمارداشتن: غمخواری و محافظت از کسی که بیمار باشد یا به بلا و رنجی گرفتار شده باشد؛ پرستاری و خدمت کردن  
**ضایع:** تباه، تلف  
**عَمَله:** جمع عامل، کارگران؛ در فارسی امروز کلمه عَمَله به صورت مفرد، به معنی یک تن کارگر زیردست بتا به کار می‌رود.  
**قربابت:** خویشی، خویشاوندی  
**محال:** بی‌اصل، ناممکن، اندیشه باطل  
**مستغنی:** بی‌نیاز  
**مولع:** شیفته، بسیار مشتاق، آزمند  
**نموده:** نشان‌داده، ارائه‌کرده، آشکار کرده

### غیر واژه‌نامه‌ای

**بَرّاق:** درخشان، تابنده  
**بِرّ و پِرّ:** خیره، نگاه زل‌زده  
**بغض:** دشمنی، حالتی از گلو که شخص جلوی گریه خود را بگیرد.  
**به‌سزا:** سزاوار، شایسته  
**تَلّ:** پشته، تپه  
**حرمت:** احترام  
**داد:** عدل، انصاف، بخشش؛ هم‌چنین این کلمه بن ماضی از مصدر «دادن» به معنی «سپردن» است.  
**داور:** قاضی  
**دلپره:** اضطراب، نگرانی  
**زستن:** نجات‌یافتن، رها شدن (زستن: رویدن)  
**رعشه:** لرزیدن، لرزش  
**سراسیمه:** مضطرب و حیران  
**نهاد:** طبیعت و سرشت؛ هم‌چنین این کلمه بن ماضی از مصدر «نهادن» است که به معنی «گذاشتن» است.

## || درس سوم ||

### واژه‌نامه‌ای

**ادیب:** بافرهنگ، دانشمند، بسیار دان  
**اهلیت:** شایستگی، لیاقت  
**بهایم:** جمع بهیمه، چارپایان، ستوران  
**بیشه:** جنگل کوچک، نیزار

## فارسی ۱

### || ستایش و درس یکم ||

### واژه‌نامه‌ای

#### ستایش:

**افلاک:** جمع فلک، آسمان، چرخ  
**رزاق:** روزی‌دهنده  
**زهی:** آفرین  
**فروغ:** روشنایی، پرتو  
**فضل:** بخشش، کرم، نیکویی، دانش  
**کام:** سقف دهان، مجازاً دهان، زبان  
**درس یکم:**

**برازندگی:** شایستگی، لیاقت

**پیرایه:** زیور

**تعلل:** بهانه‌آوردن، درنگ کردن

**تیزپا:** شتابنده و سریع

**خیره:** سرگشته، حیران، فرومانده، لجوج، بیهوده

**شکن:** پیچ و خم زلف

**غلغله‌زن:** شور و غوغاکنان

**فَرَج:** گشایش، گشایش در کار و مشکل

**قفا:** پَسِ گردن، پشت گردن، پشت

**گلبن:** بوته گل، گل سرخ، بیخ بوته گل

**معرکه:** میدان جنگ، جای نبرد

**مفتاح:** کلید

**نادره:** بی‌مانند، بی‌نظیر

**نَمَط:** روش، نوع

**نیلوفری:** صفت نسبی منسوب به نیلوفر، به

رنگ نیلوفر، لاجوردی؛ در متن درس مقصود

از «پردۀ نیلوفری» آسمان لاجوردی است.

**ورطه:** مهلکه، زمین پست، هلاکت

**هنگامه:** غوغا، داد و فریاد، شلوغی، جمعیت مردم

**یله:** رها، آزاد؛ **یله‌دادن:** تکیه‌دادن

### غیر واژه‌نامه‌ای

**چهره‌نما:** نمایشگر چهره، نقاش، در این جا

کسی یا چیزی که به ظاهر خود مغرور است.

**همسری:** برابری

**سهمگن:** سهمگین، ترسناک

**خصلت:** خوی و صفت، جمع آن خصال است.

**حکمت:** دانش

**تسبیح:** خدا را به پاکی یادکردن، سبحان الله گفتن

**پلاس:** نوعی گلیم کم‌بها، جامه‌ای پشمینه و ستبر که درویشان پوشند.

**تازی:** عرب، زبان تازی: زبان عربی  
**جَلّ جَلالَه و عَمّ نواله:** بزرگ است شکوه او و فراگیر است لطف او.

**خورجینک:** خورجین کوچک، کیسه‌ای که معمولاً از پشم درست می‌کنند و شامل دو جیب است، جامه‌دان

**در حال:** فوراً، بی‌درنگ

**دلّاک:** کیسه‌کش حتم، مشمت و مال دهنده

**دین:** وام

**زُقعَه:** نامه

**شوخ:** چرک، آلودگی

**شوریده:** کسی که ظاهر آشفته دارد، عاشق

و عارف

**غوک:** قورباغه

**فَرّاغ:** آسایش و آرامش، آسودگی

**فَرَج:** گشایش، رهایی

**قیم:** سرپرست؛ در متن به معنی کیسه‌کش حتم آمده است.

**کرای:** کرایه

**گَسیل‌کردن:** روانه‌کردن، فرستادن کسی به جایی

**مرمت:** اصلاح و رسیدگی

**مروّت:** جوانمردی، مردانگی

**مغربی:** متعلق به کشور مغرب (مراکش)

**مکاری:** کسی که اسب و شتر و الاغ کرایه می‌دهد یا کرایه می‌کند.

**نیکومنظر:** زیبارو، خوش‌چهره

### غیر واژه‌نامه‌ای

**اکرام:** بزرگداشت، احترام‌کردن، احسان و نیکی

**إنعام:** نعمت‌دادن، عطا و بخشش (إنعام: چارپایان)

**اهل:** شایسته و سزاوار، لایق

**باز شدن:** رفتن

**بازگرفتن:** مهمان کردن

باشد که: شاید، کاشکی

**برنشستن:** سوارشدن

**در رفتن:** داخل شدن

**درمک:** پول نقره‌ای اندک

**دوران:** چرخش

**دهاد:** فعل دعایی (دهد ← دهاد/دعایی)



نکات کنکوری دربارهٔ املا و رسم الخط فارسی

۱ اغلب دانش‌آموزان هنوز در موضوع جدانویسی یا سرهم‌نویسی دچار تردید می‌شوند. اجازه بدهید مژده بدهم که جدانویسی یا سرهم‌نویسی واژه‌ها در کنکور، نه غلط املائی به شمار می‌رود نه غلط رسم‌الخطی، مگر در موارد خاصی، مانند وقتی که واژه‌ای به «ه» یا «ه» ختم شود و سپس پسوندی مانند «مند» به آن اضافه شود که در این صورت باید جدا نوشته شود؛ مانند: علاقه‌مند یا گله‌مند.

۲ رابطهٔ چهارگانهٔ «تضاد، ترادف، تضمن و تناسب» راه مناسبی است برای تشخیص دادن املائی درست یک واژه. در واقع با در نظر گرفتن مراعات نظیر در یک بیت یا یک عبارت، شما می‌توانید به شکل درست یک واژه که هم‌آوا یا هم‌آوایی نیز دارد پی ببرید.

۳ نبود «تشدید» در واژه‌هایی که «تشدید» دارند، غلط املائی نیست. اما اگر واژه‌ای احتیاج به تشدید نداشته باشد و طراح محترم تست برای آن تشدید در نظر گرفته باشد، قطعاً یک غلط فاحش املائی است.

۴ در املائی فارسی چند صامت میانجی وجود دارد؛ از جمله «ا»، «ی»، «گ»، «ک» و «ج».

چند مثال راننده + ی = رانندگی

مسئله + ی = مسئله‌ای  
نیا + ان = نیاکان  
خدا + ان = خدایان  
طلا + ات = طلاجات

این صامت‌های میانجی، همیشه در برخورد با «ه» یا «ه» موجب حذف آن‌ها از واژه می‌شوند، به خصوص هنگامی که پای جمع‌بستن و افزودن اسم یا صفت به واژهٔ «ه»، «ه» دار باشد.

۵ فراموش نکنید که هنگام افزودن پیشوندهای فعلی «ب» (مانند برفت)، «ن» (مانند نرفت) و «م» (مانند مرو) به فعل‌هایی که بن ماضی یا مضارع آن‌ها با همزه (ء) آغاز می‌شود، «ی» جای همزه را می‌گیرد؛ به عنوان مثال شما به مصدر انگاشتن توجه کنید:

«ب» + انگاشت ← بیانگاشت «ب» + آموز ← بیاموز

۶ بین گذاردن و گزاردن تفاوت وجود دارد.

گذاردن معنای مختلف دارد؛ از جمله: ۱- قراردادن و نهادن (برای نهادن چیزی در جایی) ۲- اجازه‌دادن ۳- ایجادکردن ۴- وضع کردن و تعیین کردن ۵- رهاکردن چیزی یا ترک کردن موقعیتی

گزاردن معنای مختلفی دارد؛ مانند: ۱- اداکردن و به جا آوردن (مانند واجبات، شکر، حق و ...) ۲- اجراکردن ۳- پرداختن وام و قرض ۴- تعبیرکردن خواب

مثال برای گذاردن:

برای قراردادن چیزی در جایی ← بمب‌گذاری، لوله‌گذاری، نشانه‌گذاری، نقطه‌گذاری، میراث‌گذاری، تاج‌گذاری، کلاه‌گذار (معنای مجازی)، لقب‌گذاری (معنای مجازی)، نمره‌گذاری، مین‌گذاری، نرخ‌گذاری، نام‌گذاری، پی‌گذاری برای اجازه‌دادن ← مگذار که غصه در میانت گیرد/ ما را که در حتم گذارد؟

برای ایجادکردن ← پایه‌گذار، بنیان‌گذار، سرمایه‌گذار

برای وضع کردن ← قانون‌گذار

برای تعیین قیمت ← قیمت‌گذار

برای رهاکردن ← فروگذار، واگذار، واگذاری

مثال برای گزاردن: برای اداکردن ← نمازگزار، خدمت‌گزار

برای انجام‌دادن ← کارگزار

برای پرداختن وام ← وام‌گزار

برای تعبیر و ترجمه کردن، شرح‌دادن ← خواب‌گزار

۷ در کاربرد واژه‌های دواملائی، هر دو کاربرد درست به شمار می‌رود.

هلیم و حلیم / باتری و باتری / تاس و طاس / طوسی و توسی

کلمات مهم املائی

فارسی ۱

ستایش

فضل و فاضل - رزاق و خلاق - زهی و مرحبا

درس اول

قالب شعر - غلغله‌زن - حامل و محموله - برازندگی و لیاقت - نمط و شیوه - مبدأ و پایان - بحر و یم - ورطه و مهلکه - حقارت و خواری - حلال و حرام - خصلت و خصال

درس دوم

مستغنی و بی‌نیاز - تیمار و مراقبت - مُحال و ناممکن - ضایع و تضییع - تباه و تلف - قرابت و خویشی - حرمت و حریم - مولع و حریص -

قرینه و مقرون - سبک تقریر - نصاب‌الصبيان - لب حوض - حیاط و ایوان - شیری و بَرّاق - تلی از آجر - خُرده‌های گچ - قاش خربزه - اندوه و غصّه - بغض گلو - اصرار و مصرّ - غریبه و غریب - تابیده و تاب - غم‌زده و مغموم - جرئت و شجاعت - طاقت و توان - قدر و مقادیر - وحشت و متوحّش - دلهره و هراس - طاس و کل - احتیاط و محتاط - رعشه و ارتعاش - جیغ و داد - سراسیمه و آسیمه‌سر - هق‌هق گریه

درس سوم

بگذار و اجازه دهد - عذر و اعتذار - غرض و مغرض - رقع و نامه - متواضع و تواضع - معذّب و عذاب (یا تعذیب) - قرض و مقروض - فراغ و آسایش - بر پای خاستن - دلاک و قیّم -

مسلخ و سلاخی - غوک و قورباغه - بهایم و ستوران - مخلص و خالص - تسبیح و سبّحه

درس پنجم

پیچ و تاب اسلیمی - رقم و مرقوم - برخاستن صدا - خلف صدق - وقب و گودی - آخره و قوس‌گردن - یال و غارب - مخمصه و گرفتاری - حقیر و خوار - علم و رایت - میز خطابه - معاشرت و معاشر - بیغوله و کنج - بحران بلوغ - مرفه و رفاه - شندرغاز حقوق - معیشت و معاش - تسلائی خاطر - غربت و اغتراب - تلاطم و متلاطم - ادا و اطوار - حقارت و محقّر - اخت و وابسته - طمأنینه و سکون - انگشت شست - قدر و مقدار - خواست و خواست

# تاریخ ادبیات

پایه	فصل	درس	شاعر، نویسنده، مترجم	آثار	توضیحات
پایه اول	ستایش				
		تعلیمی	عطار نیشابوری	الهی نامه (نظم، در قالب مثنوی)	نیمایوشیج، تخلص علی اسفندیاری است.
	نیمایوشیج		چشمه (مثنوی)	این کتاب را محمدی اشتهاوردی جمع‌آوری کرده و حکایت «خلاصه دانش‌ها» از این کتاب است.	
	تعلیمی	یکم	محمد محمدی اشتهاوردی	داستان‌های صاحب‌دلان (نثر)	
		دوم	عنصرالمعالی کیکاووس	قابوس‌نامه (نثر)	
	سفر و زندگی	سوم	جمال میرصادقی	دیوار (نثر)	
			ناصرخسرو	سفرنامه (نثر)	حکیم ابومعین ناصرخسرو قبادیانی، شاعر و نویسنده قرن پنجم است. «سفر به بصره» یکی از قسمت‌های این کتاب است.
			سعدی	گلستان (نظم + نثر)	حکایت «شبی در کاروان» از این کتاب است.
	سفر و زندگی	پنجم	سهراب سپهری	اتاق آبی (نثر)	خاطره‌نگاری «کلاس نقاشی» از این کتاب است.
			جلال آل احمد	ارزیابی شتاب‌زده (نثر)	«پیرمرد چشم ما بود» از این کتاب است و با زبانی صمیمی به بیان حس و حال عاطفی آل احمد درباره نیمایوشیج است.
غنایی	ششم	نیمایوشیج	شعر «آی آدم‌ها»	نام شناسنامه‌ای: علی اسفندیاری	
		حافظ	دیوان حافظ (غزل + نظم)	غزل «مهر و وفا» یکی از غزلیات دیوان حافظ است.	
	هفتم	محمد بن منور	اسرارالتوحید (نثر)	این کتاب را درباره جد خود، ابوسعید ابوالخیر، نوشته است.	
		سعدی	تفسیر سوره یوسف (نثر)	غزل «بوی گل و ریحان‌ها» از کلیات اشعار سعدی قسمت غزلیات است.	
پایداری	هشتم	احمد بن محمد بن زید طوسی	(گلستان: نظم + نثر) بوستان (نظم)	این کتاب مجموعه کامل شعرهای آیینی است و شعر «پاسداری از حقیقت» از این کتاب درباره امام حسین <small>علیه السلام</small> است.	
		سید علی موسوی گرماردی	سیاست‌نامه (نثر)	حکایت «دیوار عدل» از این کتاب است.	
پایداری	نهم	سیف فرغانی	غزل «بیداد ظالمان»	او این شعر را در هنگامی که شهرهای ایران در آتش بیداد مغولان می‌سوخت سرود و از رفتار ظالمانه آن‌ها انتقاد کوبنده‌ای کرد. (سده هفتم هجری)	
		سید محمدحسین بهجت تبریزی (شهریار)	غزل «همای رحمت»	این شعر، درباره حضرت علی <small>علیه السلام</small> است.	
انقلاب اسلامی	دهم	مرتضی آوینی	دریادلان صف‌شکن (نثر)	این متن از مجله «ادبیات داستانی» نقل شده است.	
		محمد بن منور	اسرارالتوحید (نثر)	حکایت «یک گام، فراتر» از این کتاب است.	
انقلاب اسلامی	یازدهم	سپیده کاشانی	غزل «خاک آزادگان»	سپیده کاشانی، تخلص خانم «شورور اعظم باکوچی» است.	
		معصومه آباد	من زنده‌ام (نثر)	خاطرات زندگی و جنگ تحمیلی است و متن «شیرزنان ایران» از این کتاب است. ضمناً رهبر انقلاب بر این کتاب تقریظ نوشته‌اند.	



## تشبیه

**تشبیه:** یعنی شبیه‌دانستن دو یا چند کس و دو یا چند چیز به یکدیگر که موجب زیبایی و خیال‌انگیزی می‌شود.

◀ صورتش مثل ماه می‌درخشد.

هر تشبیه دارای چهار بخش یا رکن است:

۱ **مشبّه:** کسی یا چیزی که می‌خواهیم آن را تشبیه کنیم: **صورتش**

۲ **مشبّه‌به:** کسی یا چیزی که مشبّه، به آن تشبیه شده است: **ماه**

۳ **وجه‌شبه:** ویژگی مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به است که معمولاً از مشبّه‌به می‌گیریم: **درخشدن**

۴ **ادات تشبیه:** واژه‌هایی که شباهت را بیان می‌کند:

مثل / مانند / چون / همچون / عین / مثل / پنداری / گویی / چو و ...

**نکته** «ماندن» در معنای «شبیه‌بودن» می‌تواند ادات تشبیه باشد:

**نمونه** گر در آفاق بگردی به‌جز آینه تو را

صورتی کس ننماید که بدو می‌مانی

شبهه هستی

**نکته** باید مراقب «چو» و «چون» بود؛ به دلیل این که این دو واژه همیشه به معنای مثل و مانند نیستند؛ بلکه گاهی «چگونه» معنا می‌دهند و گاهی به معنی «وقتی که و زمانی که» است.

◀ **درفش مرا چون ببیند ز دور**

هنگامی که

**دلش ماتم آرد به هنگام سور**

◀ **روی خوش و آواز خوش دارند هر یک لذتی**

**بنگر که لذت چون بُود، محبوب خوش‌آواز را؟**

پگونه

## انواع تشبیه

علاوه بر تشبیهاتی که دارای همهٔ ارکان یا دست کم سه رکن هستند و تشخیص آن‌ها، دشوار نیست، باید چهار نوع تشبیه زیر را کاملاً بشناسید:

۱. **اضافه تشبیهی** گاهی مشبّه و مشبّه‌به با یک کسره (ـِ) به هم اضافه

شده و به صورت یک ترکیب اضافی می‌آیند، مانند: کوه غم، دریای معرفت، بلای عشق، آتش فراق، طومار دل

**نکته** در این نوع تشبیه، معمولاً واژهٔ اول «مشبّه‌به» و دومی «مشبّه» است. همهٔ مثال‌های بالا از این نوع هستند، اما گاهی اولی «مشبّه» و دومی «مشبّه‌به» است مانند: لب لعل (لب مانند لعل) و قد سرو (قد مانند سرو)

۲. **تشبیه اسنادی** گاهی تشبیه را در یک جمله با فعل اسنادی باید یافت مثلاً: «وجود گنج است» یعنی «وجود تو [مانند] گنج است». در این نوع تشبیه گاه شکل کوتاه‌شدهٔ فعل‌های اسنادی نیز می‌آید، مانند این مصراع: «دانه تویی دام تویی باده تویی جام تویی»

در این‌جا شاعر، معشوق را به «دانه، دام، باده و جام» تشبیه کرده است.

۳. **تشبیه درون‌واژه‌ای** کلماتی وجود دارند که به تنهایی در خود یک تشبیه را جا داده‌اند؛ مثلاً: گندمگون (مثل گندم)، سیم‌تن (دارای تنی مانند سیم یا نقره)، گلرخ (دارای رخی چون گل)، عقاب‌وار (مانند عقاب)، برق‌آسا (مانند برق)، مهسان (مانند ماه)، پری‌وش (مانند پری)

## ۴. تشبیه پنهان

گاه تشبیه در عبارت یا بیت پنهان شده و تنها با فهمیدن معنای دقیق آن می‌توان بدان پی برد. چند نمونه:

◀ یک موی خیزد از تن من و ز میان تو

یک نقطه آید از لب من وز دهان تو

تن من و میان تو مانند موی است و لب من و دهان تو مانند نقطه است.

◀ به زلفِ بافته، رشک بنفشهٔ چمنی

به روی تافته، شرم ستارهٔ سحری

زلف تو مانند بنفشه و روی تو مانند ستاره است.

◀ چو لاله سرخ شد از شرم عارض تو رواست

که چشمه‌سار شود شرمسار دیدهٔ من

عارض (چهره) تو مانند لاله و دیدهٔ من مانند چشمه‌سار است.

◀ بنفشه در بر مویت فکنده سر در جیب

گل از نظارهٔ رویت دریده پیراهن

مویت مانند بنفشه و حتی زیباتر از آن است و چهره‌ات همانند گل و حتی زیباتر از آن است.

گاهی شاعر یا نویسنده بین دو چیز مقایسه می‌کند و یکی را برتر از دیگری می‌داند، این هم یکی از انواع تشبیه پنهان است:

◀ ور قامتت به باغ درآید ز شرم او

حالی به قد سرو خمیدن در او فتد

معنی: وقتی قامت تو به باغ وارد شود، از شرم قامت تو قد سرو فوراً خمیده می‌شود؛ یعنی قامت تو بلندتر از قامت سرو است.

## استعاره

«استعاره» فرزند «تشبیه» است؛ پس خیلی سریع «تشبیه» را مرور می‌کنیم: هر تشبیه دارای چهار رکن است:

مشبه و مشبّه‌به یا وجه‌شبه و ادات تشبیه

ارکان اصلی

ارکان اصلی

ارکان غیراصلی اگر حذف شوند، تأثیری در بر هم زدن «تشبیه» ندارند و تا زمانی که ارکان اصلی حاضر باشند، تشبیه نیز پابرجاست:

◀ «کوه غم» یا «دنیا زندان است»

مشبّه به مشبّه

مشبّه مشبّه‌به

اما استعاره فقط با حضور یکی از ارکان اصلی موافقت می‌کند، یعنی استعاره، وقتی شکل می‌گیرد که یا مشبّه داشته باشیم یا مشبّه‌به.

## استعاره با حضور «مشبّه‌به»

وقتی شاعر می‌گوید:

◀ ز بوی زلف تو مفتونم ای گل

ز رنگ و روی تو دلخونم ای گل

پیداست که منظورش از «گل»، «معشوق» است و او به جای آن که بگوید «ای معشوقی که مثل گل، زیبا هستی ...» همهٔ ارکان تشبیه را حذف کرده و با آوردن «گل» که «مشبّه‌به» است، «استعاره» ساخته است. به این نوع استعاره، «استعارهٔ مصرّحه» می‌گوییم.

**نکته** پرتکرارترین «مشبّه و مشبّه‌به»‌های ادب فارسی در جدول زیر آمده‌اند. دقت کنید اگر در شعر یا متنی، مشبّه و مشبّه‌به با هم بیایند «تشبیه» و اگر فقط مشبّه‌به بیاید «استعاره» است:

انواع کلمات و نقش دستوری آن‌ها در جمله

انواع کلمات عبارت‌اند از: اسم - فعل - حرف - صفت - قید - ضمیر - صوت

نقش کلمات در جمله (به غیر از فعل) عبارت‌اند از:

- اصلی: ۱ نهاد ۲ مفعول ۳ مسند ۴ متمم ۵ منادا ۶ قید
- تبعی: ۱ تکرار ۲ بدل ۳ معطوف
- وابسته: ۱ مضاف‌الیه ۲ صفت
- وابسته و وابسته: ۱ مضاف‌الیه مضاف‌الیه ۲ صفت مضاف‌الیه
- صفت صفت ۴ قید صفت ۵ متمم

نقش‌های اصلی در زبان فارسی معیار

جمله در زبان فارسی معیار به صورت زیر است:

نهاد + (مفعول، متمم، مسند، قید، صفت و ...) + فعل

گزاره؛ فُهر یا عبارتی است دربارهٔ نهاد.

اغلب به تعداد فعل‌های موجود در یک بیت یا یک عبارت، جمله داریم. شبه‌جمله‌ها نیز جمله محسوب می‌شوند.

**نهاد** فرمول شناخت نهاد: چه چیزی یا چه کسی + فعل جمله = نهاد  
علی به مدرسه رفت: چه کسی رفت ← علی (نهاد)

نهاد معمولاً در ابتدای جمله قرار می‌گیرد.

معمولاً شناسهٔ فعل از نظر جمع یا مفرد بودن با نهاد تطابق دارد.

**مفعول** فرمول یافتن مفعول: چه کسی را یا چه چیزی را + فعل جمله = مفعول  
«را» نشانهٔ وجود مفعول در یک جمله است اما در بسیاری از این موارد «را» حذف می‌شود و ما باید به کمک فعل بتوانیم مفعول را تشخیص بدهیم.  
(دربارهٔ مفعول در بخش گروه فعلی بیشتر خواهید خواند.)

**مسند** مسند تنها در جملاتی وجود دارد که فعل اسنادی داشته باشند. خانه خراب شد.

افعال اسنادی: سه دسته‌اند: ۱- است، بود، شد، گشت و گردید و هم‌خانواده‌هایشان. ۲- گردانیدن و افعال کردن. نمودن و ساقفتن به شرط آن‌که بتوانیم به پای این ۳ فعل، گردانیدن را بیاوریم. ۳- پنداشتن، نامیدن، به حساب آوردن و افعال که بتوانیم یکی از این افعال را جایگزین کنیم.  
(دربارهٔ مسند در گروه فعلی بیشتر خواهید خواند.)

**متمم** متمم جزئی از جمله است که توسط یکی از حروف اضافه به جمله می‌پیوندد و توضیحی به مفهوم آن می‌افزاید. (دربارهٔ متمم در بخش گروه فعلی بیشتر خواهید خواند.)

**مهم‌ترین حروف اضافه:** از - به - با - بر - در - برای - مانند - چون (مثل و مانند) جز - غیر - تا - اندر - اندرون - به وسیلهٔ - به واسطهٔ - به خاطر - به استثنای - برسان - به علاوهٔ - در برابر - دربارهٔ - از نظر - از لحاظ - از روی - به غیر - به علت - به عنوان - به‌کردار - به مانند - به منظور - در ضمن - در مورد و ...

در یک جمله امکان وجود بیشتر از یک متمم وجود دارد.

دو حرف اضافه برای یک متمم:

گاهی اوقات در گذشته برای یک متمم دو حرف اضافه می‌آمد، یکی پیش از متمم و دیگری پس از آن؛ مانند:

زدش بر زمین بر به کردار شیر  
بدانست کاه هم نماند به زیر

**ندا و منادا** منادا کلمه‌ای است که مورد خطاب قرار می‌گیرد و معمولاً بعد از حروف ندا (ای، یا، ای) می‌آید.

مانند: ای پادشاه خوبان داد از غم تنهایی

حرف ندا منادا

دل بی تو به جان آمد وقت است که بازآیی

گاهی منادا، بدون حرف ندا می‌آید؛ مانند:

نیما، غم دل گو که غریبانه بگیریم

منادا

منادا در شمارش تعداد جمله، یک جمله به شمار می‌آید.

فقط دقت کنید گاهی «ا» حرف ندا قرار می‌گیرد که پس از منادا می‌آید.

سعیدیا مرد نکونام نمیرد هرگز

ندا و منادا

یک جمله

**قید** به یکی از عناصر زمان، مکان یا حالت متناسب با فعل اشاره می‌کند؛ در کتاب درسی ۲ روش برای تشخیص «قید» آمده است: الف) قید گروهی است که فعل نباشد و از سوی دیگر نقش گروه اسمی (نهاد، مفعول، مسند، متمم، منادا) نگیرد. (این روش بسیار آسان و کاربردی است.) ب) قید گروهی است که قابل حذف از جمله است. (این روش علمی است اما چندان برای دانش‌آموز مناسب نیست.)

**تعدادی از قیدهایی که معمولاً نقش قید دارند:** هرگز، هنوز، البته، مثلاً، احیاناً، اتفاقاً، حتماً (کلمات تنوین‌دار در زبان فارسی قید هستند)، همواره، الآن، امروز، دیروز، دیشب، کم‌کم، آرام‌آرام، سَلانِه‌سَلانِه، لنگان‌لنگان (کلمات تکراری قید می‌سازند)، افتان و خیزان، افسوس، چگونه، آه، شاید، خیلی، گاهی، متأسفانه و ...

نقش‌های تبعی

واژه‌هایی هستند که از نظر نقش دستوری، تابع و پیرو گروه اسمی قبل از خود باشند که عبارت‌اند از: ۱ معطوف ۲ بدل ۳ تکرار.

**معطوف** یک اسم یا گروه اسمی است که پس از حرف عطف (و) می‌آید و با آن حرف عطف، به گروه اسمی قبل از خود می‌پیوندد و نقش دستوری آن گروه را به خود می‌گیرد.

**نمونه** سارا و نگار را دیدم. صدای آهن و تیشه را شنیدم.

مفعول معطوف به مفعول مضاف‌الیه معطوف به مضاف‌الیه

گاهی به جای واو عطف ویرگول و گاهی «یا» می‌آید.

**بدل** یک اسم یا گروه اسمی است که اسم یا گروه اسمی قبل از خود را توضیح می‌دهد.

**نمونه** غلامرضا تختی، اسطورهٔ ادب و پهلوانی، افتخارات زیادی را برای

بدل

کشورمان ایران کسب کرد.

بدل

دو نوع بدل در کنکور بسیار رایج است: ۱ خود، خویش، خویشتن

نمونه او خود ...

بدل

همه، همگی، جملگی: نمونه آن‌ها، همه ...

بدل

# قرابت معنایی

## فارسی ۱

### چشمه

### ستایش + درس ۱

مفهوم	بیت / عبارت
هر پدیده‌ای نشانی از خداست. / خدا را در همه جا و همه چیز می‌توان دید. / وحدت وجود	چو در وقت بهار آیی پدیدار فروغ رویت اندازی سوی خاک حقیقت پرده بررداری ز رخسار عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک
گل مشتاق و عاشق توست. / عاشق بودن همه پدیده‌های عالم	گل از شوق تو خندان در بهارست از آنش رنگ‌های بی‌شمارست
سفارش به گفتن سخنان سنجیده	پیش دیوار آن‌چه گویی هوش دار تا نباشد در پس دیوار گوش
عاشق واقعی به هیچ چیز و هیچ کس جز یار خود نمی‌اندیشد.	تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من هیچ کس می‌نپندم که به جای تو بود
هر کس فروتن و متواضع باشد، به کمال دست می‌یابد.	چو خود را به چشم حقارت بدید بلندی از آن یافت کاو پست شد صدف در کنارش به جان پرورید در نیستی کوفت تا هست شد
دعوت به راستگویی و پرهیز از دروغ	تا راست، تمام نشده، دروغ نگویم.
توصیه به حلال بودن مال و ترک مال حرام	تا مال حلال تمام نشده، حرام نخورم.
سعی در جبران گناه و ترک معصیت / پرهیز از عیب‌جویی از دیگران	تا از عیب و گناه خود، پاک نگردم، عیب مردم نگویم.
قناعت به روزی خداداده و دست دراز نکردن نزد مخلوقات / ترک حرص و طمع / توکل به خدا / حفظ عزت نفس	تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نروم.
مبارزه با نفس و مبارزه با شیطان	تا قدم به بهشت نگذاشته‌ام، از هوای نفس و شیطان غافل نباشم.

## از آموختن، ننگ مدار

### درس ۲

مفهوم	بیت / عبارت
انسان باید یکرنگ باشد و از ریاکاری پرهیز کند.	خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای و چون نمودی به خلاف نموده، مباش. به زبان، دیگر مگو و به دل، دیگر مدار، تا گندم‌نمای جو فروش نباشی.
توصیه به بررسی اعمال خود قبل از مردن و سعی در جبران خطاها و گناهان قبل از مردن / هر کس تا زنده است اعمال خود را بررسی و اصلاح کند، در آن دنیا عذاب نمی‌بیند.	اندر همه کاری داد از خویشتن بده، که هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد / «حاسبوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا».
ناپایداری موقعیت‌ها / ناامیدی جای امید را می‌گیرد و امید جای ناامیدی را می‌گیرد.	نومیدی را در امید، بسته دان و امید را در نومیدی.
توصیه به شاد و خوش بودن / زودگذر بودن موقعیت‌ها	شاد و بی غم بزی که شادی و غم زود آیند و زود می‌گذرند
<b>پیام داستان دیوار: بد دانستن جدایی و توصیه به با هم بودن</b>	

# سراینده‌شناسی

در کنکورهای سال ۹۹ شاهد اضافه‌شدن تیپ جدیدی از سؤال در ادبیات فارسی بودیم که طرح آن در نوع خود بی‌سابقه بود! در این تست‌ها سراینده ابیات و عباراتی که در «کارگاه متن‌پژوهی» و «گنج حکمت» هر درس آورده شده، مورد سؤال قرار گرفته است، لذا کلیه این ابیات و عبارات را در جدول زیر به ترتیب پایه و درس برای آسودگی خاطر شما عزیزان گردآوری کرده‌ایم.

## فارسی ۱

سراینده یا نویسنده	بیت / عبارت	درس
سعدی	تا نباشد در پسِ دیوار، گوش	۱ پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار
حافظ	دست به کاری زخم که غصه سر آید	۱ بر سر آنم که گر ز دست برآید
سعدالدین وراوینی		۲ کتابی که در او داد سخن‌آرایی توان داد.
فخرالدین عراقی		۲ عشق شوری در نهاد ما نهاد
ابن حسام خوسفی	زود آیند و زود می‌گذرند	۲ شاد و بی غم بزی که شادی و غم
سعدی	گاهی شود بهار دگرگه خزان شود	۳ دوران روزگار به ما بگذرد بسی
حافظ	در حضرت کریم تنها چه حاجت است	۶ ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست
ابوسعید ابوالخیر	نیمی سوی خود می‌کش و نیمی می‌پاش	۶ تعلیم ز اژه گیر در امر معاش
عطار	گم گشت در تو هر دو جهان، از که جویمت؟	۶ ای بی‌نشان محض، نشان از که جویمت؟
حافظ	گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید	۶ گفتم که بوی زلفت گمراه عالم کرد
حافظ	گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش	۶ تا نگردی آشنا زین پرده رمزی نشنوی
عطار	خدمت مخلوق افتخار ندارد	۷ خدمت حق کن به هر مقام که باشی
سعدی	ای برادر، سیرت زیبا بیار	۷ صورت زیبای ظاهر هیچ نیست
صائب	حاصل بی‌حاصلی نبود به‌جز شرمندگی	۸ بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد
ناصرخسرو	هر که گیرد عنان مرکبش، آرز	۹ بر در بخت بد فرود آید
ابن یمین	باشد به قدر همت تو اعتبار تو	۹ همت بلند دار که نزد خدا و خلق
محمد تقی بهار	از ریشه بنای ظلم بر کند	۹ بر کن ز بن این بنا که باید
خاقانی	بر قصر ستمکاران گویی چه رسد خذلان	۹ ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما
ادیب‌الممالک فراهانی	مگسل از این آب و خاک ریشه پیوند	۱۱ تا ز بر خاکی ای درخت تنومند
فردوسی	همی‌کاست زو، فرّ گیتی‌فرروز	۱۲ به جمشید بر، تیره‌گون گشت روز
فردوسی	اگر بشنود نام افراسیاب	۱۲ شود کوه آهن چو دریای آب
سعدی	نه چون گوسفندان مردم درید	۱۲ سر گریگ باید هم اول برید